



بهترین قصه‌های تاریخی تهران جایزه می‌گیرند

صفحه «روایت تهران» که پیش روی شماست، از این پس به انعکاس روایت‌های خواندنی تاریخ تهران قدیم و سرگذشت شخصیت‌ها و نامداران، خیابان‌ها و گذرها، واقعه‌های تأثیرگذار و تاریخ شفاهی طهران تعلق خواهد داشت؛ با عکس‌های بازمانده از خاطرات تهران دیرروز و قصه‌ها و ماجراهای پس‌پشت این عکس‌ها شما هم می‌توانید در انتشار این صفحه که متعلق به خود شما و شهر شماست ما را همراهی کنید. «همشهری» بهترین عکس‌ها و قصه‌هایی را که برای ما ارسال می‌کنید با نام خودتان منتشر و به شما «همشهریان همراه» هدیه‌ای تقدیم می‌کند. نشانی و شماره تماس ما: mahaleh@hamshahri.org و ۴۴۴-۲۳۴۵۵-۲۳۰

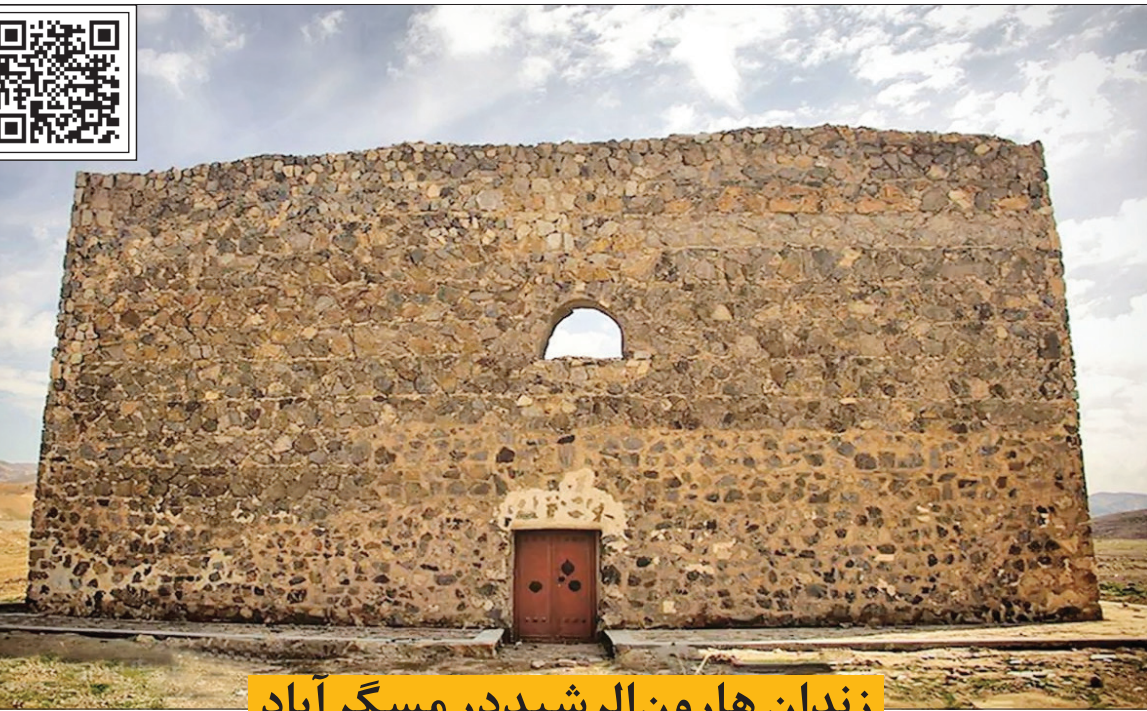
ارگ سلطنتی چگونه روشن شد؟

نخستین خیابان چراغ‌دار پایتخت

ابوذر چهل امیرانی

خیابان امیر کبیر در منطقه ۱۲ نخستین معبری بود که نه تنها در تهران، بلکه در کشور چراغ‌دار شده است. ناصرالدین شاه که در سفر به اروپا با صنعت برق آشنا شده بود، تصمیم گرفت ارگ خود را برق‌کشی کند. موضوع را با «میرزا حسین خان سپهسالار» در میان گذاشت که یکی از صدراعظم‌های او بود؛ چرا که می‌دانست او مردی نوگرا و تجددطلب است. سپهسالار برای انجام این کار کارخانه‌ای در خیابان امیر کبیر فعلی راه‌اندازی کرد که سوختن زغال سنگ بود و گاز کربنات از این کارخانه و لوله‌هایی که به سمت ارگ سلطنتی کشیده شدند، فانوس‌های باغ اندرونی را روشن می‌کرد. در کنار آن، روشنائی خیابان‌های ناصریه (ناصر خسرو فعلی)، لاله‌زار و باب‌همایون هم از این طریق تأمین شد. مردم با شنیدن این خبر، برای دیدن شسب‌های روشن این خیابان‌ها به مرکز

شهر رفتند و این خیابان را «چراغ‌گاز» نامیدند. البته عده‌ای از مردم شروع به تخریب لوله‌های کارخانه و شکستن چراغ خیابان‌ها کردند چون بر سر زبان‌ها افتاده بود که برق، کار شیطان است و باید از آن دوری کنند؛ عده‌ای هم معتقد بودند نباید به صنعت فرنگ اعتماد کرد. کم‌کم کارخانه از کار افتاد و خیابان‌های چراغ‌دار هم مثل قبل تاریک شدند. با روی کار آمدن مظفرالدین‌شاه قاجار بر مسند قدرت، بازرگان و سرمایه‌دار خوش‌نامی به اسم امین‌الضرب به فکر استفاده از تجهیزات روز برای برق‌کشی خیابان‌ها افتاد. برای انجام این کار به روسیه رفت و تجهیزات مورد نیاز را خرید. به همین دلیل به او لقب «پدر برق ایران» و «بانی صنعت برق ایران» داده‌اند. اینگونه بود که کارخانه او نخستین کارخانه برق ایران شد و خیابان چراغ‌گاز هم تغییر نام داد و به «چراغ‌برق» معروف شد.

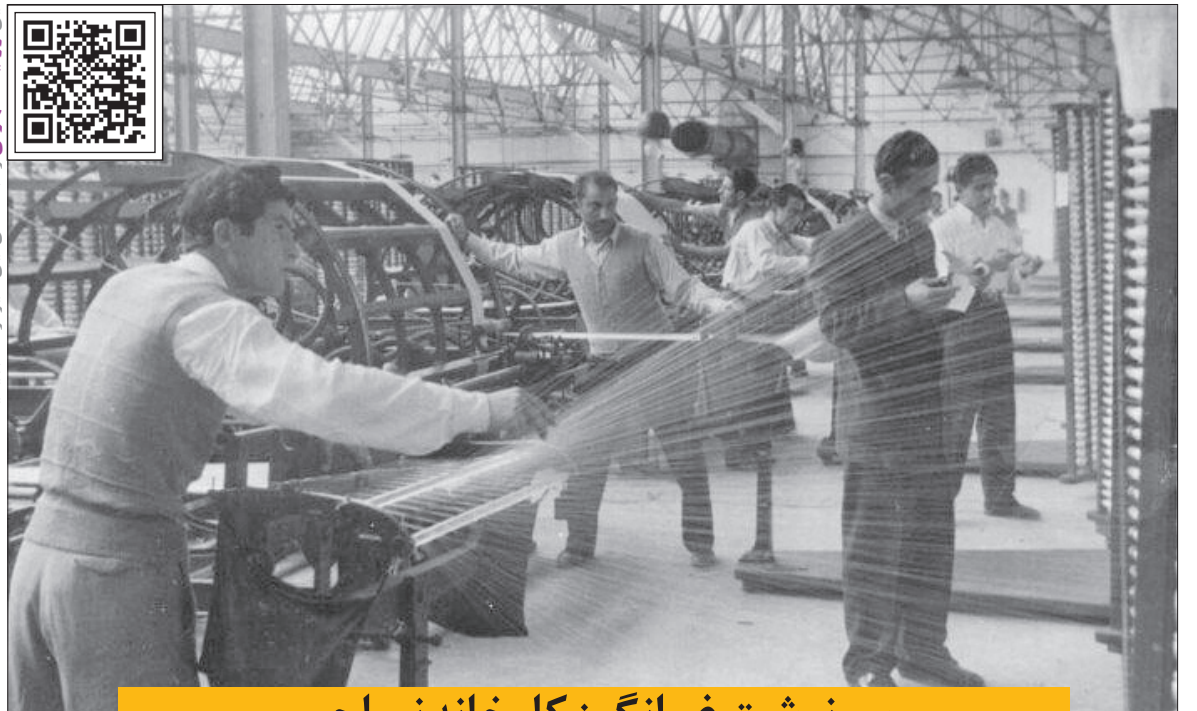


زندان هارون الرشید در مسگر آباد

یکی از جذابیت‌های زندان هارون الرشید، هم‌نگی این سازه با محیط اطرافش است که به همین خاطر تا مدت‌ها ناشناخته ماند. این بنای قدیمی متفاوت که در ساخت آن ظرافت خاصی وجود دارد در بلندی دامنه کوه ساخته شده است. بنا به شکل مکعب مستطیل است و ساختاری از لاشه سنگ و گچ دارد و سنگ‌های آتشفشانی هم در بنا به کار برده شده است. گذشت زمان و حوادث گوناگون باعث شد این بنا فرسوده شود و آسیب ببیند اما اکنون بخشی از این خرابی‌ها مرمت شده است. در نهایت این بنای تاریخی، ۱۱ بهمن ۱۳۳۴ شماره ۴۰۸ در فهرست آثار ملی ایران به ثبت رسید. زندان هارون الرشید تحت نظر اداره اوقاف است و امکان ورود عموم به بنا وجود ندارد. همچنین تنها با اخذ مجوز از اداره میراث فرهنگی شهری می‌توان به محوطه اطراف این زندان وارد شد.

روستای کوچکی در دامنه کوه‌های مسگر آباد قرار دارد که خالی از سکنه و تنها نشانه این آبادی چنارهای کهنسالی است که کمی آن سوتر از بنای آجری با در چوبی قدیمی دیده می‌شود. این بنا که یکی از قدیمی‌ترین سازه‌های شهری محسوب می‌شود، به زندان هارون الرشید معروف است اما ۳ دیدگاه درباره این بنا وجود دارد. برخی پژوهشگران معتقدند زندان هارون الرشید در دوران آل بویه ساخته و به عنوان سلول برای حبس زندانیان کاربرد داشته است. گروهی دیگر اعتقاد دارند این بنا آتشکده‌ای باستانی بوده و به همین دلیل آن را متعلق به دوران ساسانی می‌دانند. عقیده سوم مربوط به «اندوه گدار» معمار و باستان‌شناس فرانسوی است که زندان هارون را متعلق به دوران سلجوقیان و یکی از استحکامات نظامی آن عصر می‌داند.

تویرا روزبهانی

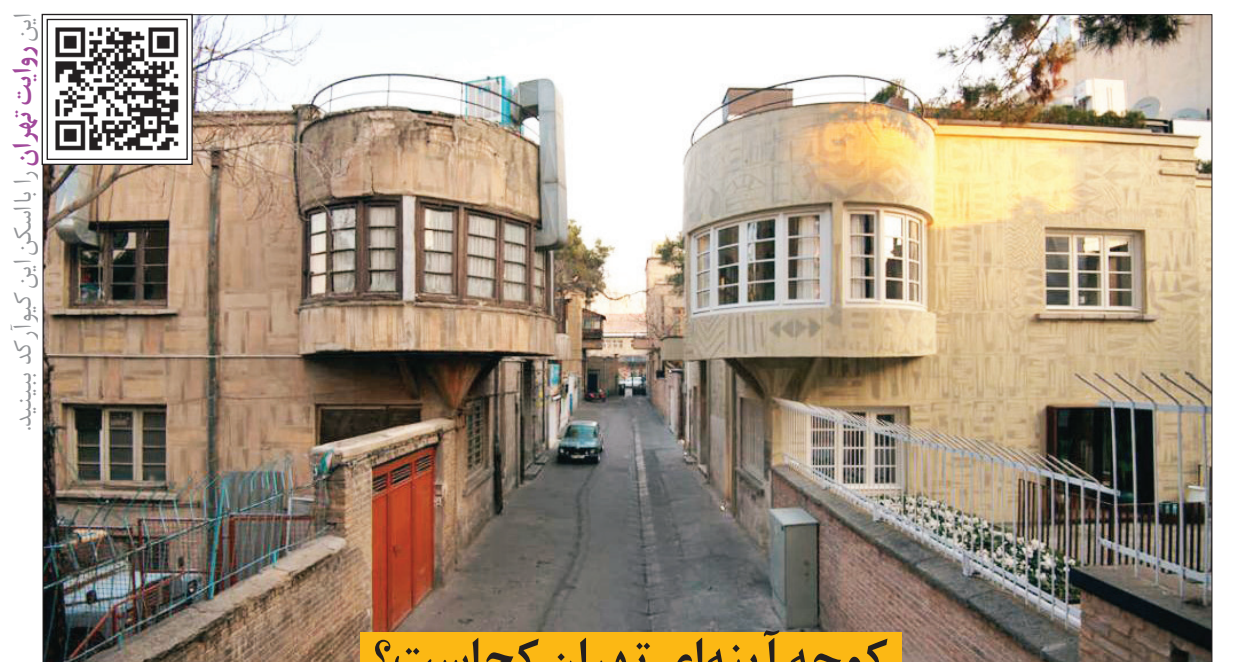


سر نوشت غم‌انگیز کارخانه نساجی

رضا نیکنام

پشت پرده ساخت کارخانه «چیت‌سازی تهران» در حوالی بزرگراه بعثت که نخستین صنایع نساجی در ایران به شمار می‌رود، مسائل مختلفی قرار داشت که یکی تغییر پوشش مردمان ایران و دیگری تولید لباس ملی بود. تا قبل از سفر ناصرالدین‌شاه به فرنگ، لباس زنان ایرانی بسیار ساده و مورمصرف آن بیشتر در خانه بود. تنبان، شلیته، سر بند، چارقد، روبنده، شال، پیرهن، کلاهی، چاقچور، چادر و در موارد اندک، جوراب هم بود اما با سفر این پادشاه، دامن‌های دارای فنر و شلوارهای چسبان جای لباس‌های سنتی را گرفت. لباس‌های مردانه که لباده، سرداری، عبا و قبا بود نیز جای خود را به پوشاک خارجی داد و بدین‌گونه ما هرگز صاحب لباس ملی نشدیم، اگر ندانم کاری‌ها و کارشکنی‌ها نبود، شاید

کارخانه چیت‌سازی واقع در محدوده منطقه ۱۶ تهران می‌توانست تولیدکننده اصلی پارچه لباس ملی باشد، اما سر نوشت دیگری برای کارخانه «چیت‌سازی تهران» رقم خورد. عباس میرزا نایب‌السلطنه پسر کوچک ناصرالدین شاه که هرگز بر آریکه قدرت تکیه نکرده، نخستین کسی بود که کارخانه نساجی در ایران را پایه‌گذاری کرد. به دستور او، تعدادی وسایل و افزار بافت ماهوت فرنگی از روسیه وارد شد تا پوشاک مردم در داخل کشور تولید شود. نایب‌السلطنه در بخشنامه خود چنین نوشت: «پوشش و لباس اکثر اهل ایران و لباس اعیان و اشراف و سربازان باید از یک قماش باشد تا عوام الناس در پی متاع فرنگی نباشند.» او برای رسیدن به این هدف تلاش‌های بسیاری کرد، اما این آرزوی ولیعهد شاه قاجار هرگز محقق نشد. اکنون این کارخانه متروک شده است.

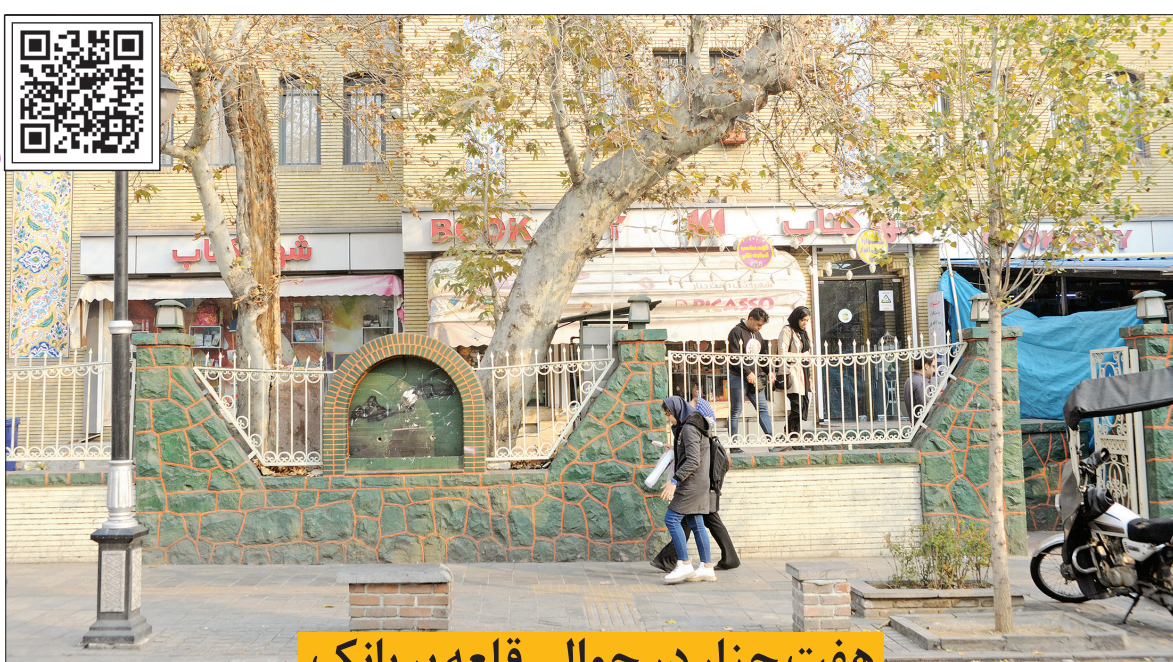


کوچه آینه‌ای تهران کجاست؟

مریم قاسمی

در این کوچه، ساختمان‌ها، حیاط‌ها، درختان، نوع طراحی و نقشه‌کشی بناها، همه و همه مثل آینه و براساس اصل «قرینه‌سازی» انجام شده است؛ یعنی چیزی نیست که در سمت راست کوچه باشد اما سمت چپ آن را نبینید. کوچه آینه‌ای تهران و خانه‌های دولقی رویه‌روی هم ۸۴ سال پیش توسط خانواده لولاگرها با هنرمندی «استاد حسن بنا» ساخته شده و درختان در حیاط خانه‌ها متقارن و به موازات هم کاشته شده است. اما ماجرای این کوچه آینه‌ای پایتخت از کجا شروع شد؟ «محمدباقر لولاگر» حدود سال ۱۳۱۷ تصمیم می‌گیرد با شراکت برادرش، زمینی در محدوده کوچه لولاگر، خیابان نوفل‌لوشاتو، بخرد و در آن هر آنچه برای خود و خانواده‌اش از خانه و بنا

می‌سازد، برای برادر و خانواده او نیز به‌طور یکسان بسازد. حاصل این شراکت، کوچه لولاگر فعلی (تقریباً به طول ۳۰۰ متر) شد که خانه‌ها یا همه متعلقاتشان در آن قرینه هستند و تا به امروز به شکل و شمایل قدیمی خود، با آن بالکن‌ها و بهارخواب‌های دل‌انگیز، وفادار مانده است. جالب اینکه کوچک‌ترین جزئیات این سو و آن سوی کوچه یکسان در نظر گرفته شده است؛ به این صورت که حتی درختان حیاط‌ها متقارن و با تعداد مشابه و در نقاط مشابه کاشته شده است. با این قرینه‌سازی که در کوچه لولاگر شکل گرفت، هیچ کوچه یا خیابانی در پایتخت زیبایی آن را ندارد و حالا این کوچه نوستالژیک محل بازدید خیلی از گردشگران ایرانی و خارجی شده است.



هفت چنار در حوالی قلعه بریانک

و در حیاط مجموعه شهر کتاب در خیابان شهید دعوتی جاجوش کرده است، چیست؟ داستان از این قرار بود که از ریشه و تنه اصلی یک درخت چنار، ۷ درخت چنار دیگر روئیده بود که در باور عامه این رویش احترام فراوانی داشت. به همین واسطه در کنار این درخت مشهور سقاخانه‌ای راه‌اندازی شد. یکی دیگر از کارهای جالب اهالی قدیمی در کنار این درختان پخت‌وپز و توزیع نذورات در مناسبت‌های مذهبی بود. کافی بود یکی از مناسبت‌های مهم مذهبی مانند ایام ماه مبارک رمضان و شب‌های قدر یا ماه محرم سر برسد تا حوالی این درخت‌ها جا برای سوزن انداختن پیدا نشود.

تهران قدیم به چنارهایش معروف بود و حتی گاهی شکل‌گیری و نام محله‌هایش به این درخت گره خورده بود. مانند محله معروف هفت‌چنار که به دلیل وجود ۷ چنار عجیب در همسایگی قلعه بریانک شکل گرفت. محله هفت‌چنار ادامه اراضی قلعه جی و بریانک بود. این محله تا سال ۱۳۳۵ از ۳ باغ مجزا «حاجی گلستانی» (از خیابان شهید عابدین نوری تا خیابان شهید گلستانی)، «حاج حسن اعتماد» و «حاج عباس حکیم» تشکیل شده بود. به مرور زمان این باغ‌ها میان مردم تقسیم و تبدیل به بافت مسکونی شد. اما ماجرای چنارهای این محله که امروز گرد پیری به جانش نشسته

بهاره خسروی